

ضمائم

پیشکشگاہ علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

خوانندگان و ما

آقای دکتر جان -ر-پری Dr. John R. Perry
استاد بخش تاریخ و فرهنگ و زبانهای خاور
نزدیک در دانشگاه شیکاگو طی نامه‌ای مهرآمیز
که به زبان فارسی و خطی خوانا به مجله
بررسی‌های تاریخی فرستاده‌اند، مطالبی در
مورد مقاله آقای مهدی روشن ضمیر (راجع به
زندیه) نوشته‌اند که ما عین نامه ایشان را برای
مطالعه خوانندگان چاپ نمودیم .
امید است که آقای مهدی روشن ضمیر نیز با
مطالعه نامه مزبور نظرات خود را ارسال دارند
تا در جواب آقای دکتر جان -ر-پری و همچنین
خوانندگان علاقمند دیگر در شماره آینده چاپ
گردد.

بررسی‌های تاریخی

۲۱ اوت ۱۹۷۵ / ۱ شهریور ۱۳۵۴

مدیر محترم مجله بررسی‌های تاریخی :

اجازه بفرمائید قبل از هر چیز بهیئت تحریریه این مجله اظهار تبریک و امتنان نمایم از اینکه در مدتی نسبتاً کوتاه چنین مقالات دلچسب و اسناد با ارزش جمع نموده و بدسترس علاقمندان تاریخ چه در ایران چه در خارج فراهم ساخته‌اند. اینجانب بارها نه تنها از مقاله‌های مجله بلکه از بخش «خوانندگان و ما» لذت برده‌ام و مطمئن شدم که بوسیله چنین رد و بدل معلومات و نظریات کار تحقیقات تاریخی با سرعت بیشتر پیشرفت میکند. بنده چندین سال سرگرم بررسی دوره زندیه هستم و بنابراین میل دارم نکاتی چند از سه مقاله تألیف دکتر مهدی روشن ضمیر مورد بحث قرار دهم.

۱- در ضمن قسمت دوم از مقاله ایشان «پژوهشی نو درباره روابط ایران و بیگانگان در سده دوازدهم هجری» که در سال ششم شماره ۶ انتشار یافت آقای روشن ضمیر با نقل از گلشن مراد اثر ابوالحسن غفاری ادعا مینماید (ص ۶۸) که در سال ۱۱۸۰ هجری (۱۷۶۶-۶۷ میلادی) یک گروه نمایندگی تجارته روسیه در شیراز بخدمت کریم خان زند رسید. اینکه مؤلف گلشن مراد نماینده مزبور را به «ایلچی پادشاه خورشید کلاه روس» مشخص مینماید درست

است ولی چون اسم همان شخص را مستراسکپ (Mr. Skipp) مینویسد احتمال بر آن می‌رود که با يك نفر انگلیسی - نه روسی - کار داریم؛ و در واقع از مضمون نامه های محفوظ در آرشیو کمپانی هند شرقی انگلیس .

(Bombay Public Consultations, XXIX, January-November 1767)

و نیز از آرشیو ملی فرانسه

(Correspondance Consulaire, Affaires Etrangères, Perse, B 1. 175, 27 Septembre 1767)

معلوم می‌شود که در همان سال يك نماینده کمپانی انگلیس بنام جورج اسکپ (George Skipp) در شیراز بخدمت وکیل زند رسید . احتمال دارد همان نماینده ایست که آقای روشن ضمیر با نقل از رستم التواریخ در بخش نخست همین مقاله (سال ششم شماره ۲ ص ۲۸۷) آمدن هیئت او را ذکر میکنند . غفاری هرطور باشد تابعیت این نماینده را غلط نوشته است . قابل توجه اینست تا آنجا که بررسی کرده ام هیچیک از منابع دیگر از وجود ارتباط دیپلوماسی بین ایران و روسیه در دوره زندگی - قبل از زمان علیمرادخان که در زیر بآن اشاره خواهد شد - خبری ندارد؛ و اگر چنین تماس بود البته انگلیسها و فرانسویها که فعالیت‌های رقیبشان را تحت نظر داشتند فوری بآن پی برده و آنرا ذکر میکردند.

۲- در همان صفحه (و این نیز در پاورقی ص ۲۰۲ مقاله «گوشه‌ای از تاریخ گرجستان» تألیف آقای روشن ضمیر در سال ۸ شماره ۵ تکرار شده است) این رویداد مهیج از اوراق رستم - التواریخ و مجمل التواریخ (که بجای این «گلشن مراد» بطور اشتباه نوشته شد، ر.ک . بپاورقی ۳۹) نقل میشود: هنگام محاصره بصره

بدست ارتش زندیه (۱۱۸۹ هجری / ۷۶-۱۷۷۵ میلادی) و روسها عده‌ای سرباز بدر بند فرستادند تا از طریق گرجستان و با کمک گرجیها بعثمانیان حمله کنند ، ولی فتحعلی خان قبه‌ای حاکم در بند و سایر خانان آذربایجان بدستور کریم خان زند جلو سپاه روس گرفته آنها را شکست دادند .

نسبت باین روایت چندین اعتراض بخودی خود بنظر میرسد: اولاً در همان موقع روسها توسط عهدنامه کوچک فینارجه (ژوئیه-۱۷۷۴) باعثمانیان در آشتی بودند در حالیکه کریم خان در دو جبهه با عثمانیان وارد جنگ شده بود . ثانیاً از دلایل دیگر واضح میگردد که اختیار وکیل زند در شمال آذربایجان و قفقاز آنقدر نیوده تا برامرای مستقل و یا نیم مستقل از قبیل فتحعلی خان در بندی و کاظم خان قراجه داعی امر و نهی داشته باشد . این حمله روسها واقعاً اتفاق افتاد اما موجب و نتیجه آن باشرح مورخین زندیه کاملاً فرق دارد : چنانکه از مدارک روسی روشن میگردد .

(P. G. Butkov, Materialy dlya novoy istorii Kavkaza S 1722 Po 1803: III, 134-5) در سال ۱۷۷۵ يك سپاه روسی بفرمان سرلشکر دی‌مدیم (de Medem) برضد اوسمی قره‌قیطاق (خان لزگیها) حمله کرد .

تنها علت آن انتقام گیری بود چون اوسمی يك مسافردانشمند روسی را بنام گمیلین (Gmelin) زندانی کرده و کشته بود . اتفاقاً در همان موقع اوسمی رقیب خود فتحعلی خان را در شهر در بند سخت محاصره میکرد پس از ورود ناگهانی روسها وشکست یافتن لزگیها، باعث گردید که فتحعلی خان نجات یابد و دوباره نفوذ پیشین خود را در اطراف در بند و باکو برقرار نماید . اما با وجود تقاضای

فتحعلی خان و نیز ایرکلی (Erekli, Heraclius) پادشاه گرجستان (که میخواستند سپاه روس را برعلیه دشمنان خود بکار ببرند) تسارینا کاترین اکیداً قدغن نمود که قوای روس در سیاست محلی دخالت نکنند و بعد از اقامتی کوتاه مدت در شهر دربند دی مدیم بروسیه عقب نشینی کرد .

این تاخت و تاز بقدری بنفع فتحعلی خان انجامید که عباسقلی آقا با کیخانوف (مؤلف گلستان ارم ، تاریخ شیروان و داغستان از اوایل تا سال ۱۲۲۸/۱۸۱۳ که برای حوادث شمال ایران در سده دوازدهم هجری دارای ارزش بسیار است) در صفحه ۱۶۵ ادعا مینماید علت اصلی آن مساعدت فتحعلی خان بوده ولی از مدارک بوتکوف آشکار میگردد نه بخاطر او بود و نه بزبان عثمانیان و یا ایرانیان . نادرستی و روایت مورخین ایران جنوبی اثبات میکند که وکیل زند هم از آن کم اطلاع داشته هم دارای اختیار دخالت نبوده است . خلاصه‌ای از این رویداد بزبان انگلیسی در کتاب لنگت (D. M. Lang, The Last years of the Georgian Monarchy, 177-8)

و در تاریخ قفقاز اثر بدلی (J. F. Baddeley, the Russian Conquest of the Caucasus, 37-8)

پیدا میشود .

۳- راجع به بیئت نمایندگی که در سال ۱۷۸۴ از روسیه بخدمت علیمردان خان زند رسید از گزارش آقای روشن ضمیر (سال ششم شماره ۶ ص ۷۰) بنظر میآید که روسها در این معامله پیشقدم شدند درحالیکه بقول مدارک بوتکوف (ج ۶ ص ۹-۱۴۸ ، ج ۳ ص ۱۷۹، ۱۸۲) علیمراد خان قبلا به تسارینا کاترین پیشنهاد

کرده بود که در مقابل شناسائی رسمی و کمک روس برضد رقیب خود آقا محمد خان قاجار تمام توابع ایران در آنطرف رود ارس را بروسیه اهدا کند و هیئت نمایندگی کلونیل تمارا برای مذاکره همین مسئله رهسپار اصفهان شد. چنانکه معلوم است وفات ناگهانی علیمراد خان این تماس را قطع کرد. اما بهر صورت ایرکلی پادشاه گرجستان يك سال پیش (۱۷۸۳م) توسط عهد نامه گيورگيفسك (Giorgievsk) از وابستگی بایران صرف نظر کرده و اداره امور خارجی مملکت خود را با توابع آن گنجه و قراباغ با اختیار روسیه گذاشته بود. علیمرادخان گویا بموجب پیشنهاد نابهنگامش میخواست علیرغم فرصتی از دست رفته هر نفعی که ممکن باشد عاید خود گرداند (رجوع کنید به لنگ، ص ۴-۱۸۳).

چنین مینماید که آقای روشن ضمیر برای شرح ایشان از این حوادث - که بطور کلی روایتی صحیح و معقول است - در مطالعه مواد اروپائی بیشتر از مآخذ ثانوی استفاده و بآن اعتماد کرده اند. نظر باینکه تعداد نسبتاً زیادی از منابع اصلی راجع بتاریخ زندیه در آرشیوهای انگلیس و فرانسه و هلند و شوروی وجود دارد که برخی از آن منتشر گردیده، برای تحقیقات اساسی و مخصوصاً در مطالعه روابط ایران بابیگانگان باید اولاً معلومات مناسب را از چنین منابع با گزارشهای مورخین ایرانی مقایسه کرد تا اوضاع و فعالیتهای طرفین روشن گردد و در شرح خصوصیات مهم اشتباهی نشود که شاید بسوء تفاهم عمومی منجر گردد.

با احترامات صمیمانه

John R. Perry جان ر. پری

دانشگاه شیکاگو